

شکست مطلق القاعده در حلب

حمایت غیرمستقیم و مستقیم آمریکا از گروه‌هایی که خود آنها را تروریست می‌داند، نهایت تعارض و استانداردهای دوگانه واشنگتن را نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد روس‌ها نیز از همین زاویه طرف آمریکایی خود را در صحنه دیپلماسی هدف قرار دادند.



به گزارش آران نیوز: روزنامه «جوان» در یادداشتی به قلم «محمد بابایی» نوشت

عده‌ای از رهبران کلیدی مهم‌ترین گروه فعال در شمال سوریه، یعنی «جبهه الفتح الشام» در جریان یک حمله هوایی کشته شدند. این گروه در واقع همان جبهه النصره سابق به رهبری محمد جولانی است که به صورت علنی با ایمن ظواهری، رهبر القاعده بیعت کرده و توانسته بود سایر گروه‌های شورشی در سوریه را به حاشیه براند و فرماندهی اکثر نبردهای مهم را به عهده بگیرد.

اما پس از اینکه تحولات میدانی در یک سال گذشته، به‌ویژه پس از ورود روس‌ها، کاملاً به نفع دمشق پیش رفت و برنامه‌های بعضی کشورهای منطقه‌ای به‌ویژه عربستان، قطر و ترکیه به همراه غرب به بن بست خورد - این کشورها پیشتر با متحدکردن جبهه النصره با احرار الشام ائتلافی با نام «جیش الفتح» درست کرده و موفق شده بودند مناطق زیادی را در شمال، از جمله تقریباً تمامی استان ادلب را از کنترل دولت خارج کنند - جولانی و گروهش شدیداً تحت فشار این کشورها قرار گرفتند تا حداقل در ظاهر و به صورت نمایشی هم شده اعلام کند که با القاعده ارتباطی ندارند تا بدین طریق بتوانند از حمایت علنی ریاض، دوحه و آنکارا و بالطبع واشنگتن بهره‌مند شوند.

این تحولات درونی در شاخه سوری القاعده با رسیدن نیروهای مقاومت با پشتیبانی جنگنده‌های روسی به جاده کاستیلو و محاصره کامل مناطق تحت کنترل این گروه‌ها در شرق حلب همزمان بود. مقاومت در بهمن ماه 1394 توانسته بود مناطق غربی را نیز تحت محاصره قرار دهد.

محاصره گروه‌های مسلح در شرق حلب، همان‌طور که آرون لوند کارشناس مسائل سوریه در مؤسسه کارنگی می‌نویسد، «از طریق متقاعد شدن گروه شورشی مبنی بر اینکه در جنگ شکست خورده‌اند می‌تواند منجر به یک تغییر بزرگ شود.»

در چنین شرایطی جولانی برای اولین بار بدون پوشش صورت خود، جلوی دوربین ظاهر شد و اعلام کرد نام گروه خود را از «جبهه النصره» به «جبهه الفتح الشام» تغییر می‌دهد و «هیچ ارتباطی با عامل خارجی» (القاعده) ندارد تا بدین طریق بتواند با خارج شدن از لیست سازمان‌های تروریستی حمایت بیشتر کشورهای منطقه‌ای از جمله ترکیه و عربستان را داشته باشد.

سه روز پس از این تغییر نام، شورشیان سوری با رهبری «جبهه الفتح الشام» عملیات گسترده‌ای را برای شکستن محاصره مناطق شرقی حلب آغاز کردند و همزمان رسانه‌های غربی به حمایت گسترده آنها آمدند و جبهه الفتح الشام را به عنوان قهرمانان جدید برای نجات مردم از محاصره حلب نامیدند و برای این گروه تروریستی که تنها نامش را عوض کرده بود پوشش رسانه‌ای بی‌شرمانه‌ای به عمل آوردند.

دستاورد عملیات گسترده گروه‌های مسلح در شرق حلب همان‌طور که پاتریک لانگ، تحلیلگر مسائل نظامی می‌گوید «تقریباً هیچ» است. درست است که این گروه توانست با تلفات زیاد بر منطقه الراموسه واقع در جنوب شرقی حلب مسلط شود اما هیچ وقت نتوانست یک مسیر امن برای کمک‌رسانی به خود ایجاد کند، چرا که این منطقه تحت آتشباری نیروهای مقاومت قرار داشت.

همزمان با این تحولات میدانی دو تحول مهم در خارج از سوریه نقش مهمی در تغییر جهت‌گیری و ائتلاف‌بندی‌های صحنه جنگ در این کشور داشت. آنکارا با تغییر در اولویت‌های خود در سوریه (از برکناری اسد تا جلوگیری از شکل‌گیری منطقه مستقل کردی در امتداد مرزهای جنوبی ترکیه) روابط خود را با متحدان کلیدی دمشق، به‌ویژه مسکو بهبود داد و در این میان وقوع کودتای نافرجام روابط رهبران آنکارا را با رهبران روسیه و ایران بیش از پیش به هم نزدیک کرد چرا که ترک‌ها دست آمریکایی‌ها را در این کودتا می‌بینند و علناً اعلام کرده‌اند توسط متحدان خود از پشت خنجر خورده‌اند.

این تحولات کاملاً بر خلاف منافع و برنامه‌های آمریکا در سوریه پیش می‌رود که اوج آن را می‌توان در درگیری نیروهای تحت حمایت واشنگتن با یکدیگر در شمال سوریه پس از ورود نظامی ترکیه به منطقه جرابلس دید. تقابل کردهای تحت حمایت مستقیم آمریکا با نظامیان ترکیه، یکی از اعضای کلیدی ناتو دست‌های کاخ سفید را بیش از پیش برای تأثیرگذاری بر تحولات میدانی بسته بود.

این شرایط برای آمریکا باعث می‌شد آنها قدرت چانه زنی کمتری در مقابل روس‌ها داشته باشند. آمریکایی‌ها در حالی به حملات روسیه و متحدانش در حلب اعتراض می‌کردند که نمی‌توانستند حضور گروه‌های تروریستی را در این مناطق از جمله جبهه الفتح الشام منکر کنند.

در واقع حمایت غیرمستقیم و مستقیم آمریکا از گروه‌هایی که خود آنها را تروریست می‌داند نهایت تعارض و استانداردهای دوگانه واشنگتن را نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد روس‌ها نیز از همین زاویه طرف آمریکایی خود را در صحنه دیپلماسی هدف قرار دادند.

روسیه بارها از امریکا خواسته گروه‌هایی را که میانه‌رو می‌خواند از گروه‌های تروریستی جدا کند؛ مسئله‌ای که بنابر گفته ولادیمیر پوتین به بلومبرگ امریکایی‌ها به این خواسته روسیه اعتراض نکردند، اما عمل نیز نکردند.

ناتوانی امریکا در جدا کردن گروه‌های میانه رو با گروه‌های تروریستی باعث می‌شود متحدان دمشق بیش از پیش تأکید کنند که غرب هیچ جایگزین قابل قبولی برای بشار اسد ندارد؛ مسئله‌ای که خود امریکایی‌ها و از همه مهم‌تر ترکیه نیز اخیراً البته به نوعی دیگر به آن اذعان کرده‌اند و از شرط خود مبنی بر کناره‌گیری اسد دست کشیده‌اند.

چند روز مانده به نشست جی 20 در چین مشخص بود که روسیه و امریکا به توافقی درباره سوریه دست یافته‌اند با این تفاوت که امریکایی‌ها بر خلاف روس‌ها از توافق خوشحال نبودند. بر اساس گزارش‌های منتشر شده مهم‌ترین بخش توافق برای روس‌ها مجاب کردن امریکایی‌ها برای همکاری اطلاعاتی جهت هدف قرار دادن رهبران القاعده است.

روس‌ها معتقدند با این همکاری آنها واشنگتن را مجبور خواهند کرد در جهت خواسته‌های مسکو پیش بروند. با این وجود امریکایی‌ها نتوانستند دل از القاعده بکنند و در دقیقه آخر اعلام کردند هنوز با روسیه درباره سوریه به توافق نرسیده‌ایم.

مسکو و متحدانش بلافاصله پس از عقب‌نشینی امریکا از توافق سیاسی، تشدید حملات زمینی را در دستور کار قرار دادند و نیروهای مقاومت موفق شدند منطقه راموسه را باردیگر به تسلط خود در آورند و تنها باریکه گروه‌های مسلح تحت حمایت امریکا را در حلب باردیگر قطع کنند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد ترکیه از طریق هماهنگی با مسکو تلاش می‌کند نیروهای تندرو را در این منطقه در انزوا قرار دهد. گزارش‌های منتشر شده حاکی از آن است که آنکارا کمک‌های خود را به جیش الفتح قطع کرده و مانع بازگشت شورشیان جهت مشارکت در نبرد حلب می‌شود.

در همین حال نگاهی به نقشه نبرد حلب نشان می‌دهد که شانس گروه‌های مسلح برای شکستن مجدد محاصره تقریباً «صفر» است و کار آنها در حلب تقریباً پایان یافته و دیگر تأثیرگذاری میدانی ندارند و در نتیجه تاریخ مصرف آنها تمام شده است.

در چنین شرایطی کشته شدن رهبران ارشد جبهه الفتح الشام چه کار امریکایی‌ها باشد یا روس‌ها یا همچنین تسویه حساب داخلی به معنای تیر خلاصی است بر حیات القاعده در حلب.